

تعاون و کشاورزی، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۹

تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در گرایش زنان خانه‌دار به امور تعاون

فاطمه رادان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۸

چکیده

با توجه به مسئولیت زنان در خانواده و کارکرد مؤثر تعاونی‌ها در تأمین نیازهای زندگی، گرایش زنان در امور تعاون در خورتأمل به نظر می‌رسد. زنان ۴۹/۶ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند که حدود دوسوم آنان خانه‌دارند و ۱۱ درصد تعاونی‌های فعال بخش صنعت، کشاورزی و خدمات کشور به زنان اختصاص یافته است. این پژوهش با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر گرایش زنان خانه‌دار به امور تعاون به شکل کیفی صورت گرفت. با بهره‌گیری از ابزار مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته در چارچوب «نظریه زمینه‌ای»، داده‌های لازم از ۱۵ نفر از زنان خانه‌دار ۲۰ تا ۶۰ ساله ساکن تهران در سال ۱۳۹۹ گردآوری و تنظیم شد و پس از تحلیل یافته‌های پژوهش، «نبود سرمایه» و «نبود شناخت از تعاون» به‌عنوان شرط زمینه‌ای؛ «توانایی‌های فردی» به‌عنوان شرط علی؛ «خانواده و دوستان» به‌عنوان شرط مداخله‌گر؛ «تعهدات مالی، حقوقی و اخلاقی» به‌عنوان تعاملات و «ضعف در نهادینه‌شدن فرهنگ تعاون» به‌عنوان پیامد در گرایش زنان خانه‌دار به امور تعاون مشخص شدند.

واژه‌های کلیدی: عوامل اجتماعی و فرهنگی، تعاون، زنان خانه‌دار

مقدمه

در نهاد اقتصادی ایران، علاوه بر بخش دولتی و خصوصی، بخش تعاونی نیز دارای اهمیت است. توسعه فرهنگ تعاون در جامعه بخشی از اهداف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان‌های تابعه آن است. دلیل توجه قانون اساسی به نظام تعاونی را می‌توان

۱. استادیار علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران

نتایج ناشی از ثمرات اقتصادی اجتماعی و پیامدهای مؤثر این بخش در تقویت ارزش مقبول و تحقق اهداف مطلوب جامعه دانست. در راستای تحقق اهداف جامعه، بخش تعاون با فعالیت در امور کشاورزی، صنعت و خدمات سهمی قابل توجه در توسعه مناطق شهری و روستایی دارد. بر اساس گزارش اتاق تعاون ایران، تا دی ماه ۱۳۹۵، تعداد ۹۵۷۹۵ شرکت و اتحادیه تعاونی فعال در بخش‌های مختلف اقتصادی در کشور به ثبت رسیدند که حدود ۱۰۴۷۷ هزار تعاونی فعال سهم زنان است. سهم ۱۵ درصدی زنان در بازار کار و اختصاص ۱۱ درصد از تعاونی‌های فعال کشور به زنان با توجه به خانه‌دار بودن دوسوم از جمعیت زنان کل کشور، قابل تأمل است.

در اینکه چرا زنان خانه‌دار برای مشارکت بیشتر در تأمین نیازهای خانوادگی و تمایل به اشتغال، گرایش کمتری به فعالیت در بخش تعاون دارند؟ عوامل متعددی دخیل‌اند. بر همین اساس، این تحقیق کیفی با هدف شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش زنان خانه‌دار ۲۰ تا ۶۰ ساله ساکن تهران به فعالیت تعاونی صورت گرفت. در زمینه تحقیق حاضر، پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است که در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود.

روستا و همکاران (۱۳۸۹، ۹۱-۹۲) در تحقیقی اکتشافی - توصیفی، عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی را در تعاونی‌های تولیدی خراسان جنوبی با روش پیمایشی انجام دادند. نتایج نشان داد که بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و سازمانی - عملکردی تعاونی‌ها و میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های تعاونی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین میزان وابستگی زنان روستایی به همسرانشان و میزان مشارکت آنها در فعالیت‌های تعاونی رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. افزون‌براین، با اطمینان ۹۹ درصد، تفاوت معنی‌داری بین مشارکت زنان روستایی سرپرست خانوار و زنان روستایی تحت تکفل وجود دارد.

وثوقی و یوسفی آقابین (۱۳۸۴، ۳) در مطالعه خود، رابطه مثبت بین مشارکت اجتماعی زنان روستایی با متغیر میزان دسترسی آنها به وسایل ارتباط جمعی را مورد تأکید قرار دادند.

منفرد (۱۳۹۵، ۱۷) در بررسی مشکلات حضور زنان در تعاونی‌ها با هدف شناسایی راهکارها و زمینه‌های اشتغال و تشکیل تعاونی‌های تولیدی و خدماتی زنان در استان بوشهر، با انتخاب ۳۹۰ نفر از زنان عضو تعاونی و ۱۳۰ نفر از مدیران و کارشناسان تعاون به این نتیجه رسید که از نظر زنان، مقررات دست و پاگیر و دیوان‌سالاری مانع مشارکت آنان در فعالیت‌های تعاونی است؛ اما از نظر مدیران، آشنا نبودن جامعه، خصوصاً زنان، با فرهنگ تعاون مانع مشارکت آنان است. از دید مدیران، مشکلات خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی و از دید زنان عضو تعاونی، مشکلات اداری در تعاونی‌ها مهم‌تر به نظر می‌رسند.

زوجو و همکاران (Xuchu et al., 2011) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که تشکیل تعاونی با بسیج منابع محدود و ارائه اعتبارات، دانش و فناوری مناسب به اعضا در زمینه روش‌های جدید تولید و بازاریابی زنان را به کارآفرینانی موفق مبدل می‌کنند. با این مقدمه، در تحقیق حاضر تلاش شد عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر گرایش زنان خانه‌دار به امور تعاون با هدف تقویت مشارکت بیشتر و پویاتر آنان در این بخش از اقتصاد شناسایی شود.

مبانی نظری تحقیق

۱. ابعاد اجتماعی تعاونی‌ها

- گام نهادن در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و حل نسبی تضاد بین رشد و رفاه و عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت.

- ایجاد هم‌دلی، صمیمیت، تعاون و همکاری در میان اقشار مختلف جامعه که به طور حتم از شاخص‌های توسعه به شمار می‌رود.
- کمک به بخش دولتی در انجام اموری چون ایجاد مدارس غیر انتفاعی، مهدکودک-ها، ورزشگاه‌ها و مراکز فرهنگی و هنری با تشکیل تعاونی‌های آموزشی، هنری، فرهنگی و ورزشی.
- حل بخشی از معضل مسکن از طریق تعاونی‌های مسکن و مقابله با مهاجرت بی‌رویه از طریق ایجاد کار در روستاها و بخش‌های مختلف با کمک تعاونی‌های تولید.
- مقابله با معضل بیکاری و مفاسد ناشی از آن با پذیرش حداقل هفت نفر در تعاونی‌های تولیدی نسبت به بخش خصوصی که عموماً طرح‌ها به یک نفر واگذار می‌شود.
- مبارزه با مفاسدی چون احتکار، سودجویی، گران فروشی و غیره از طریق عرضه عادلانه‌تر کالا و خدمات تعاونی‌ها.
- تحکیم جامعه از طریق تعاون.

۲. ابعاد فرهنگی تعاونی‌ها

- ایجاد فرهنگ تعاون و همیاری و تفاهم.
- تقویت بنیه فرهنگی و هنری و احیای هنرهای دستی از طریق تشکیل تعاونی‌های مختلف.
- تقویت ارزش‌های حاکم بر جامعه با ارائه الگوهای جدید و حمایت از طبقات پایین و نفی فرهنگ استکباری و قدرتمندپروری.
- تقویت بنیه مراکز گردشگری، سینماها و فرهنگ‌سراها، چاپ و نشر آثار با تشکیل تعاونی‌های مربوطه.
- بالا بردن سطح آگاهی مردم از طریق آموزش.

۳. تعاون در اسلام

تعاون پایه تمامی ادیان جهان است؛ زیرا هدف دین در هر قومی، ایجاد همکاری و تجانس در میان مردم است. تعلیمات اسلامی به طور کلی و آیات قرآن به طور خاص، مکرراً ارزش تعاون و کارهای جمعی را تأیید می‌کنند. مشهورترین آیه تعاون در قرآن کریم آیه ۲ از سوره مائده^۱ است که به صراحت بر فرهنگ تعاون و همیاری تأکید کرده است. نمونه متعالی تعاون در اسلام را باید در پیوند اجتماعی میان مهاجران مکه و انصار یثرب جستجو کرد. انصار، مانند دیگر جوامع، نظام اقتصادی و حقوقی مستقلی داشتند که مالکیت در آن به رسمیت شناخته شده بود و هنگام ورود مهاجران، انصار مهاجران را در مالکیتشان سهیم کردند. امام علی (ع) پیشرفت مادی و معنوی انسان‌ها را بدون تعاون و همکاری با دیگران امری ناممکن دانسته و در کتاب نهج‌البلاغه می‌فرماید: «همواره همراه بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید؛ زیرا دست خدا با جماعت است و از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها، بهره شیطان است، چنان که گوسفند تک‌رو طعمه گرگ می‌شود.» (نهج‌البلاغه، نامه شماره ۵۳). از نظر ایشان، اتحاد و پیوستگی جامعه، عزت و بزرگی به ارمغان می‌آورد و اختلاف و ازهم‌گسیختگی سبب رکود می‌شود. همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «مسلمانان با هم برادرند و نباید به یکدیگر ستم روا دارند و همدیگر را خوار کنند. نباید به محرومیت هم راضی باشند. باید با هم تلاش و تعاون کنند و به اهل حاجت مدد رسانند که خداوند به رحمت و عطف میانشان فرمان داده است.» (اصول کافی، ج ۴، ص ۵۰).

۴. تعاون در ایران

تعاون در ایران، به مفهوم واقعی کلمه، سابقه‌ای طولانی دارد. با انقراض ساسانیان و ظهور اسلام در ایران، مشارکت شکل جدیدی به خود گرفت و روح تعاون و همکاری بیش-

۱. «تعاونو علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الائم و العدوان» (باید در نیکوکاری و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید نه بر گناه و ستم‌کاری)

ازپیش در مردم شکل گرفت. بارزترین وجه تعاون و همکاری طبقه کشاورز در ایران، همانند بسیاری از جوامع روستایی دنیا، هنگام کاشت، داشت و برداشت محصول دیده می‌شود. تصویب و بازنگری قانون تجارت در سال ۱۳۱۱ و فعالیت تعاونی‌ها در سال ۱۳۱۴ را می‌توان شروع تعاون رسمی در ایران دانست و در سال ۱۳۳۴ با تصویب قانون شرکت‌های تعاونی، بخش تعاون به یکی از بخش‌های اقتصادی کشور تبدیل شد. بازنگری قانون تعاون در سال ۱۳۷۰ و تأسیس وزارت تعاون جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۳ در راستای توسعه نهضت تعاونی در ایران صورت گرفته است. پس از تأسیس وزارت تعاون، تعداد تعاونی‌ها در کشور افزایش چشمگیری یافت و زمینه مناسب برای فعالیت آنها و سایر بخش‌های اقتصادی از جمله کشاورزی، صنعت، معدن، عمران، مسکن، تأمین نیاز تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، فرش دستباف، خدمات و سایر بخش‌ها ایجاد شد.

۵. چارچوب نظری

در بررسی نظریه‌های جامعه‌شناختی، به رئوس بینش تئوریک به‌کاررفته در این مقاله اشاره می‌شود. تاریخ نظریه‌های جامعه‌شناختی عرصه بیان و بحث میان دو رهیافت عمده ساختارگرایی و کنش‌گرایی بوده است (ادگار^۱ و سجویک^۲، ۱۳۸۷، ۴۵). در این تمایز مجادله‌آمیز طولانی میان ساختار^۳ و عاملیت^۴ برخی جامعه‌شناسان متأخر، با اتخاذ رویکردی تلفیقی، در تبیین پیچیده‌تر، این دو را واجد ارتباط متقابل دانسته‌اند. دورکیم و دیگر پیروان رهیافت واقعیت اجتماعی مبین اصلی هر پدیده اجتماعی را ساختارهای ذهنی یا عینی حاکم بر جامعه قلمداد می‌کردند. از نظر آنها، کنش‌ها و تعاملات فردی و گروهی به‌خودی‌خود واجد معنای جامعه‌شناختی نیستند و عامل اصلی موجد آنها واقعیت اجتماعی

1. Edgar
2. Sedgwick
3. Structure
4. Agency

یا ساختارهای فرافردی موجود در هر جامعه است (دورکیم، ۱۳۸۵، ۹۰). از نظر پیروان این دیدگاه، فرهنگ، ساختاری محاط بر کنشگران دارد که کنش‌های آنان را تعیین می‌کند. فرهنگ پیش از کنشگر وجود دارد و به وی فرمان می‌دهد (کوش، ۱۳۸۱، ۴۱). کنشگران در انتخاب نوع یا جهت کنش خویش آزاد نیستند، بلکه این ساختارهای فرهنگی - اجتماعی است که نحوه کنشگری آنان را تعیین می‌کند (سوینج وود، ۱۳۸۰، ۲۷۵-۲۹۱). در نظریه پارسونز، رابطه فرهنگ با کنشگر رابطه‌ای یک‌سویه و مبتنی بر قدرت بی-منزاعه فرهنگ است. کنشگر در برابر فرهنگ قدرت و اختیار چندانی ندارد. در واقع، کنشگر قادر نیست فرهنگ را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا هر آنچه را می‌اندیشد و به عمل در می‌آورد فرهنگ «تعیین» کرده است (Parsons, 1951, 40). کنشگرایان برخلاف ساختارگرایان، وجود یک ساختار فرهنگی - اجتماعی محاط بر کنش را از پیش موجود و مسلم فرض نمی‌کنند. از نظر آنان، جامعه تنها در کنش‌های نمادین اعضای آن وجود دارد و خارج از کنش نمی‌توان چیزی به نام جامعه تصور نمود (Edgar & Sedgwick, 2008, 223). از نظر آنان، فرهنگ در حکم یک ساختار منسجم مقدم بر کنش فرد نیست، بلکه در کنش کنشگران و در معنایی که آنها به کنششان می‌دهند مفهوم پیدا می‌کند. فرهنگ از نظر نمادگرایان، مجموعه‌ای از اصول ثابت نیست، بلکه همواره در جریان کنش‌های روزمره، در حال تغییر و تبدیل است (کوش، ۱۳۸۱، ۱۰۳).

برخی از آثار در دهه‌های اخیر، رویکردهای یک‌جانبه در جامعه‌شناسی را مورد نقد قرار داده‌اند؛ زیرا معتقدند جامعه و مناسبات موجود در آن، واقعیت‌های پیچیده‌ای هستند که باید در روابط چندجانبه‌ای که با هم دارند بررسی شوند. این نظریه‌پردازان کوشیدند نظریاتی را ساخته و پرداخته کنند که در آنها، هم‌زمان به عاملیت و ساختار، نظم و تغییر، ایستایی و پویایی و روابط پیچیده و متداخل آنها توجه شود. در دیدگاه این دسته از نظریه‌پردازان، فرهنگ نه صرفاً ساختاری بیرون از افراد است که تأثیر یک‌سویه و تعیین‌کننده بر کنش آنان داشته باشد و نه صرفاً به عنصری در درون تعاملات و کنش‌های متقابل افراد قابل تقلیل

است. همچنین فرهنگ نه عاملی صرف برای حفظ ثبات و وضع موجود است و نه تنها عاملی برای ایجاد تغییر در جامعه. فرهنگ همچنان که بیرون از کنش وجود دارد و به کنش جهت می‌دهد، از کنش‌های اجتماعی تأثیر نیز می‌پذیرد و دگرگون می‌شود و همان‌طور که می‌تواند عامل ثبات باشد، پتانسیل ایجاد تغییر در جامعه را نیز دارد. هابرماس، بوردیو، گیدنز و آرچر از جمله این دسته از نظریه‌پردازان هستند (اجتهد نژاد کاشانی و پرویز اجلالی، ۱۳۹۳، ۳۵-۷۲).

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق کیفی با بهره‌گیری از روش گراند تئوری^۱ یا نظریه زمینه‌ای و رویکرد عینی‌گرایی مطرح شده استراوس^۲ و کوربین^۳ (ادیب حاج باقر و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۵-۹۰) انجام شد. با توجه به اینکه روش نظریه زمینه‌ای روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است، تحقیق حاضر فاقد فرضیه است. در روش نظریه زمینه‌ای حجم نمونه نیز با داده‌های جمع‌آوری شده و تحلیل آنها مشخص می‌شود و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع ادامه پیدا می‌کند. در فرایند گردآوری داده‌های این تحقیق نیز ابتدا برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌های مهم مشارکت‌کنندگان از روش مصاحبه غیررسمی استفاده گردید و در مرحله دوم، مقوله‌ها و مفاهیم در فرایند مصاحبه در راستای نمونه‌گیری نظری پیگیری شدند و پس از این مرحله، که خطوط کلی مصاحبه‌ها از طریق مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند، با استفاده از روش مصاحبه باز استاندارد شده، پرسش‌ها طراحی شدند. در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری نظری بهره گرفته شد و با استفاده از معیار اشباع نظری^۴، پس از انجام ۱۵

1. Grounded Theory
2. Strauss
3. Corbin
4. Theoretical Saturation

مصاحبه عمیق^۱ و نیمه‌ساختاریافته با زنان خانه‌دار ساکن تهران در سال ۱۳۹۹- که تناسب بسیاری با روش نظریه زمینه‌ای دارد- اشباع نظری حاصل شد. مشخصات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان تحقیق

شماره	سن	تحصیلات	تأهل	وضعیت مالی
۱	۴۸	سیکل	متأهل	متوسط
۲	۳۵	فوق دیپلم	متأهل	متوسط
۳	۳۵	لیسانس	مجرد	کمتر از متوسط
۴	۴۱	دیپلم	متأهل	متوسط
۵	۴۹	ابتدایی	متأهل	متوسط
۶	۳۲	دیپلم	مجرد	متوسط
۷	۲۷	لیسانس	مجرد	کمتر از متوسط
۸	۳۶	دیپلم	متأهل	کمتر از متوسط
۹	۴۷	دیپلم	متأهل	متوسط
۱۰	۴۶	سیکل	متأهل	پایین
۱۱	۳۴	لیسانس	مجرد	متوسط
شماره	سن	تحصیلات	تأهل	وضعیت مالی
۱۲	۳۹	دیپلم	متأهل	متوسط
۱۳	۵۲	ابتدایی	مجرد	کمتر از متوسط
۱۴	۴۳	دیپلم	متأهل	متوسط
۱۵	۴۹	ابتدایی	متأهل	پایین

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی یا گزینشی^۴ است. کدگذاری فرایندی تحلیلی است

1. In Depth Interview
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selective Coding

که طی آن، داده‌ها تفکیک، مفهوم‌بندی و یکپارچه می‌شوند به گونه‌ای که بتوانند نظریه نهایی را شکل دهند. در فرایند کدگذاری، واحد تحلیل «مفهوم» است. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه؛ در مرحله کدگذاری محوری، مقولات عمده و در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله هسته^۱ استخراج می‌شود؛ مقوله‌ای که بر اساس آن، نظریه ساخته می‌شود. این مقوله باید قدرت تحلیل داشته باشد و دیگر مقولات را نیز در خود جای دهد. کدگذاری گزینشی مستلزم بررسی دقیق داده‌ها و کدهای دو مرحله قبل است. بعد از تعیین مقوله محوری یا هسته، سایر مقولات حول مقوله محوری، در قالب یک مدل پارادایمیک، ترسیم می‌شوند. این مدل، در حقیقت، همان نظریه زمینه‌ای یا نظریه مبتنی بر داده‌هاست (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱، ۵۲-۵۳).

نتایج و بحث

سؤال اصلی تحقیق این بود که عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش زنان خانه‌دار ۲۰ تا ۶۰ ساله ساکن تهران به مشارکت در امور تعاونی کدام‌اند؟ در پاسخ به این سؤال، در مرحله اول یا کدگذاری باز، ۲۰ مفهوم اولیه استخراج شدند و در مرحله بعد، این مفاهیم در ۶ مقوله عمده شامل «نبود سرمایه»، «نبود شناخت از تعاون»، «توانایی‌های فردی»، «خانواده و دوستان»، «تعهدات مالی، حقوقی و اخلاقی» و «ضعف در نهادینه شدن فرهنگ تعاون»، دسته‌بندی شدند. با توجه به داده‌های تحقیق، «عدم گرایش زنان خانه‌دار به فعالیت‌های بخش تعاون» به عنوان مقوله هسته انتخاب شد. جدول ۲ شامل نوع مقوله، مقوله‌های عمده و زیرمقوله‌هاست که در تحلیل مصاحبه‌ها به دست آمده است. مفاهیم و مقولات این جدول بیانگر مفاهیم، عقاید، نظرات، نگرش‌ها، معانی و شرایط زمینه‌ای و غیره است که بر گرایش مصاحبه‌شوندگان به فعالیت‌های بخش تعاون اثر دارند. مفاهیم این تحقیق در فرایند

1. Core Category

مصاحبه با نمونه‌های تحقیق به دست آمده‌اند که با ادامه مصاحبه‌ها، محقق به اشباع نظری رسید.

جدول ۲. نوع مقوله، مقولات عمده و زیرمقولات

نوع مقوله	مقوله‌های عمده	زیرمقوله‌ها
شرایط زمینه‌ای	نبود سرمایه	نبود در آمد، نبود شرایط دریافت تسهیلات بانکی
شرایط علی	نبود شناخت از تعاون	بی تجربگی در مشارکت اجتماعی، عدم تجربه شغلی
شرایط مداخله‌گر	خانواده و دوستان	ضعف اعتماد به نفس، بیم از ریسک‌پذیری، بی‌مهارتی، عدم استقلال مالی، بی‌اعتمادی به دیگران، ضعف مسئولیت‌پذیری
تعاملات	تعهدات مالی، حقوقی و اخلاقی	ترس از پیامدهای منفی قانونی و حقوقی، هدر رفتن سرمایه، لطمه به روابط همکاران و دوستان، ترس از ناکامی
پیامد	ضعف در نهادینه شدن فرهنگ تعاون	ضعف در پذیرش باورها و هنجارهای همیاری

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۱. شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطی است که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌شوند تا مجموع اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند تا اشخاص با عمل خود به آنها پاسخ دهند (استراس و کوربین، ۱۳۸۷، ۴۵). در پژوهش حاضر، «نبود سرمایه» یکی از شرایط زمینه‌ای مؤثر بر «عدم گرایش زنان خانه‌دار به فعالیت‌های بخش تعاون» بود. «نبود درآمد» و «عدم شرایط دریافت تسهیلات بانکی» زیرمقوله عمده «نبود سرمایه» بودند این مقوله مبین این است که شخص نه تنها درآمد مالی ندارد، بلکه به همین دلیل، امکان دریافت تسهیلات بانکی را نیز ندارد؛ زیرا یکی از شروط دریافت تسهیلات بانکی، دارا بودن منبع درآمد است و همه پاسخ‌گویان به این نکته اشاره کردند. «نبود شناخت از تعاون» دیگر شرط زمینه‌ای مؤثر بر «عدم گرایش زنان خانه‌دار به فعالیت‌های بخش تعاون» و شامل دو زیرمقوله «بی‌تجربگی در مشارکت اجتماعی» و «عدم تجربه شغلی» بود که این ویژگی‌ها بر عدم شناخت از ماهیت و کارکرد تعاون تأثیر گذار بودند.

۲. شرایط علی

شرایط علی یا سبب‌ساز معمولاً آن دسته از رویدادها و وقایعی هستند که بر پدیده‌ها تأثیر می‌گذارند (استراس و کوربین، ۱۳۸۷، ۴۵). در این تحقیق «توانایی‌های فردی» به‌عنوان شرط علی مؤثر بر «عدم گرایش زنان خانه‌دار به فعالیت‌های بخش تعاون» تعیین شد. «ضعف اعتماد به نفس»، «بیم از ریسک‌پذیری»، «بی‌مهارتی»، «عدم استقلال مالی»، «بی-اعتمادی به دیگران» و «ضعف مسئولیت‌پذیری» زیرمقوله‌های عمده «توانایی‌های فردی» محسوب می‌شوند. مقوله «توانایی‌های فردی» اشاره به ویژگی‌های شخصیتی فرد دارد که در فرایند تربیت و ارتباط با محیط زندگی، بخشی از هویت وی را شکل داده است.

۳. شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر عواملی هستند که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند (استراس و کوربین، ۱۳۸۷، ۴۵). در این تحقیق، «خانواده و دوستان» به‌عنوان شرط مداخله-

گر بر «عدم گرایش زنان خانه‌دار به فعالیت‌های بخش تعاون» تعیین شده است. «نبود پشتوانه مالی»، «عدم حمایت روحی روانی اطرافیان»، «عدم آشنایی با ماهیت تعاونی‌ها»، «دید منفی به اشتغال زنان» و «بی‌اعتمادی به مدیریت زنان» زیرمقوله‌های عمده «خانواده و دوستان» به شمار می‌آیند. همه مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق به دخالت و اظهارنظر خانواده در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های آنها اشاره کردند. مداخله و مشاوره در خصوص زنان متأهل، بیشتر ازسوی همسران و در خصوص دختران مجرد، ازسوی پدر و مادر صورت می‌گیرد؛ زیرا آنان هم به جنبه درآمدزایی فعالیت توجه دارند و هم برای شأن خانوادگی در ارتباط با نوع شغل، محل کار، ساعات کار، شخصیت همکاران، میزان ارتباط با دیگران و منزلت اجتماعی اهمیت قائل‌اند. دوستان هم با ارائه مشاوره و هم‌فکری نقش مؤثری در تضعیف یا تقویت این گرایش دارند.

۴. تعاملات

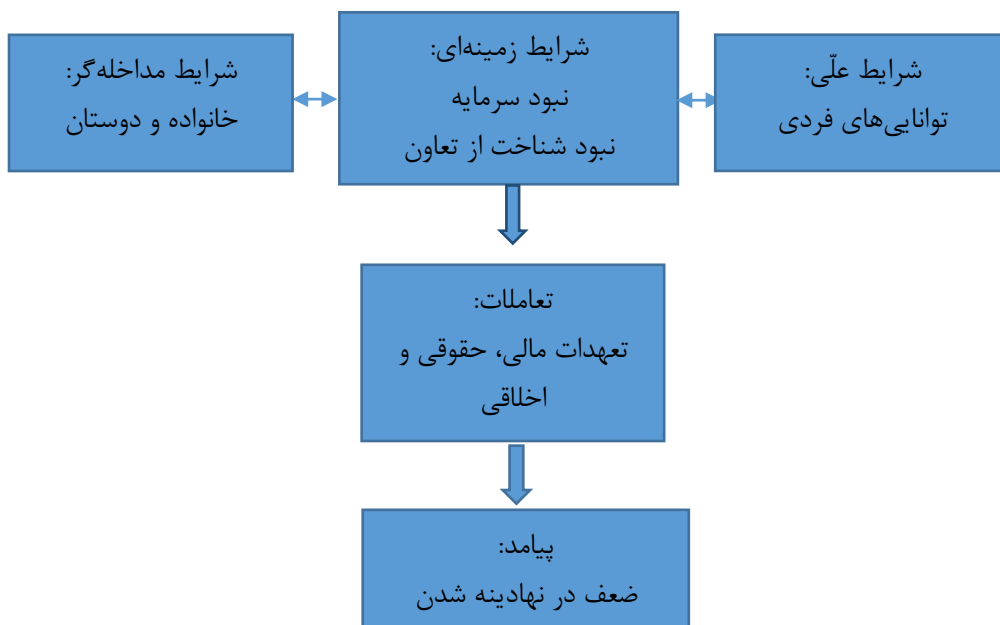
عمل، تعامل یا کنش و کنش متقابل اصطلاحاتی‌اند که برای اشاره به روش‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی یا رایج و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به کار می‌روند. این روش‌ها یا رفتارهای عادی کارهایی هستند که مردم و سازمان‌ها و جوامع یا ملت‌ها انجام می‌دهند (استراس و کوربین، ۱۳۸۷، ۴۵). در پژوهش حاضر، «تعهدات مالی، حقوقی و اخلاقی» به‌عنوان تعاملات مؤثر بر «عدم گرایش زنان خانه‌دار به فعالیت‌های بخش تعاون» تعیین شدند. «ترس از پیامدهای منفی قانونی و حقوقی»، «هدررفتن سرمایه»، «لطمه به روابط همکاران و دوستان» و «ترس از ناکامی» زیرمقوله‌های عمده «تعهدات مالی، حقوقی و اخلاقی» به حساب می‌آیند. رعایت قوانین و انجام تعهدات مالی و حقوقی خصیصه قابل احترام و ضروری برای اعضای جامعه است و عدم انجام تعهدات مالی و حقوقی علاوه بر تبعات قانونی، از نظر اجتماعی رفتاری نابهنجار و ضد اخلاقی است.

۵. پیامد

آخرین اصطلاح پارادایمی، پیامد است. هر جا انجام یا عدم انجام عمل، تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آیند (استراس و کوربین، ۱۳۸۷، ۴۵). پیامد مجموعه شرایط زمینه‌ای، علی، مداخله‌گر و تعاملات مؤثر بر «عدم گرایش زنان خانه‌دار به فعالیت‌های بخش تعاون» کاستی فعالیت زنان خانه‌دار در امور تعاونی را به دنبال دارد. زنان خانه‌دار ۲۰ تا ۶۰ ساله ساکن تهران، از کم‌سوادترین گرفته تا باسوادترین و از طبقه پایین جامعه گرفته تا متوسط، چون ارزش‌ها و باورهای همیاری و تعاون در تفکر و بینش آنان نهادینه نشده است و به دلیل عدم آشنایی کافی با ماهیت تعاون و تأثیر آن در ارتقای زندگی و به سبب وجود محدودیت‌های مالی، فقدان مهارت‌های فردی و دانش کافی، نحوه برخورد اطرافیان و بیم از تعهدات قانونی، علی‌رغم نیاز به شغل و درآمد، گرایشی به فعالیت در بخش تعاون ندارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش، عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش زنان خانه‌دار به امور تعاون مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفتند. با توجه به مقوله‌های به‌دست آمده در تحقیق، «عدم گرایش زنان خانه‌دار به فعالیت‌های بخش تعاون» به مثابه مقوله هسته انتخاب شد. عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش زنان خانه‌دار به فعالیت بخش تعاون در قالب یک مدل پارادایمیک شامل شرایط زمینه‌ای، علی، مداخله‌گر، تعامل و پیامد در شکل زیر ارائه شده است:



بخشی از نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق روستا و همکاران (۱۳۸۹) همسوست. از نظر آنها بین عوامل اقتصادی، اجتماعی و سازمانی - عملکردی تعاونی‌ها و میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تعاونی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. آگاهی از قوانین و آشنایی با ماهیت و عملکرد تعاونی‌ها از دیگر نتایج این تحقیق بود که با نتایج مطالعه وثوقی و یوسفی آقابین (۱۳۸۴) مبنی بر ارتباط بین مشارکت اجتماعی زنان روستایی و افزایش آگاهی آنان از راه وسایل ارتباط جمعی و میزان دسترسی به این وسایل همسوست. انجام تعهدات حقوقی یکی از موانع مشارکت زنان در امور تعاونی است و این نتیجه با یافته تحقیق منفرد (۱۳۹۵) همخوانی دارد. وی در بررسی مشکلات حضور زنان در تعاونی‌ها به این نتیجه رسید که از نظر زنان، مقررات دست‌وپاگیر اداری مانع مشارکت آنان در فعالیتهای تعاونی است؛ اما از نظر مدیران، آشنا نبودن جامعه، خصوصاً زنان با فرهنگ تعاون، مانع مشارکت آنان است. از دید مدیران، مشکلات خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی و از دید زنان عضو تعاونی، مشکلات اداری در تعاونی‌ها مهم‌تر به نظر می‌رسند.

محدودیت اعطای تسهیلات و ضعف دانش و مهارت متناسب از دیگر موانع مشارکت زنان خانه‌دار در حوزه تعاون است و این نتیجه با یافته مطالعه زوجو و همکاران (۲۰۱۱) همسوست.

با مروری بر تحقیق می‌توان این چنین نتیجه گرفت که زنان توانایی‌های فراوانی دارند و تعاونی‌ها رویکردی مطلوب و بستری مناسب برای ظهور و بروز این توانایی‌ها و بهره‌گیری از آنهاست. بر همین اساس، مطالعه و شناخت دقیق‌تر مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی خرده‌نظام‌های جامعه برای تدوین برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی مناسب و تصویب قوانین حمایتی و کارآمد و ارائه راهکارهای مفید با هدف کاهش مشکلات و موانع و تقویت فرصت‌ها و اشاعه فرهنگ تعاون در اذهان جامعه، به‌ویژه زنان، ضروری به نظر می‌رسد.

به منظور تغییر نگرش و ارتقای فرهنگ تعاون، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- تدوین منبع درسی و آموزش مفاهیم حوزه تعاون در همه مقاطع تحصیلی؛
- تشویق بازی‌های گروهی و ساخت اسباب بازی‌های فراجنسیتی؛
- آموزش مهارت‌های فردی و جمعی و ایجاد رقابت‌های گروهی؛
- تقویت باورها، ارزش‌ها و هنجارهای همیاری و تعاون در فضای عمومی جامعه با بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی؛
- ارائه الگوهای رفتاری موفق تعاون در دیگر فرهنگ‌ها،
- حمایت حقوقی و مالی بیشتر از متقاضیان و مشارکت‌کنندگان امور تعاون؛
- مشاوره حرفه‌ای به زنان قبل و حین فعالیت در بخش تعاون.

منابع

- آزاد ارمکی، ت.، شریفی ساعی، م.ح.، ایناری، م.، طالبی، س. (۱۳۹۸). هم‌خانگی: پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. *مجله جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، شماره اول، ۵۲-۵۳.

- اجتهاد نژاد کاشانی، س.س. و پرویز اجلالی، ح. (۱۳۹۱). کندوکاو نظری - مفهومی در باره توسعه فرهنگی از منظر جامعه شناسی. *مجله علوم اجتماعی*، شماره ۶۴، ۳۵-۷۲.
- ادگار، ا. و سجویک، پ. (۱۳۸۷). *مفاهیم کلیدی در نظریه فرهنگی*. ترجمه ناصرالدین علی تقویان. چاپ سوم. تهران: انتشارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- ادیب حاج باقری، م.، پرویزی، س. و صلصالی، م. (۱۳۹۴). *روش های تحقیق کیفی*. تهران: انتشارات بشری.
- استراس، آ. و کوربین، ج. (۱۳۸۷). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبانی رویه ها و شیوه ها*. ترجمه بیوک محمدی. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دورکیم، ا. (۱۳۸۵). *قواعد روش جامعه شناسی*. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روستا، ک.، تاجرزی، ا. و زمانی پور، ا. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی های تولیدی. *مجله تعاون*، ۲۱ (دوره جدید، شماره ۲)، ۹۱-۱۰۹.
- سوینچ وود، آ. (۱۳۸۰). تحلیل فرهنگی و نظریه سیستمها، مفهوم فرهنگ مشترک: از دورکیم تا پارسونز. ترجمه محمدرضایی. *مجله ارغنون*، شماره ۱۸، ۲۷۵-۲۹۱.
- کوش، د. (۱۳۸۱). *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*. ترجمه فریدون وحید. تهران: انتشارات سروش.
- منفرد، ن. (۱۳۹۵). زمینه یابی تشکیل تعاونی های زنان و بررسی مشکلات حضور زنان در تعاونی ها (مورد مطالعه: استان بوشهر). *مجله کارآفرینی در کشاورزی*، ۳(۱)، ۱۷-۳۳.
- وثوقی، م. و یوسفی آقابین، ا. (۱۳۸۴). پژوهشی جامعه شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی روستای آغکند شهرستان میانه. *مجله علوم اجتماعی*، شماره ۲۵، ۱۹۵-۲۲۴.

Edgar, A., & Sedgwick, P. (2008). *Key concepts in cultural theory*. London: Routledge.

Parsons, T. (1951). *The social system*. New York: Free Press.

Xuchu, X.U., Ke, Sh., Llang, Q., Guo, H., & Uhui, Z. (2011). *Chinese small farmers' entry into big markets: from led by leading enterprises to relying on farmer cooperatives*. New opportunities for cooperatives. Global Research. Conference. 24-27.(8). 2011-Mikkeli, Finland.

Analysis of Socio-cultural Factors on Housewives' Tendency to Cooperation

*F. Radan*¹

Received: 09 May, 2020

Accepted: 08 Sep, 2020

Abstract

Given the responsibility of women in the family and the effective functioning of cooperatives in meeting the needs of life, women's orientation in cooperative affairs seems to be considered. Women make up 49.6 percent of the country's population; about two-thirds of whom are Housewife and 11 percent of the country's active cooperatives are dedicated to women. These cooperatives are active in industry, agriculture and services. The aim of this study was to identify the factors affecting the tendency of housewives to cooperative affairs in a qualitative manner. Using the tools of in-depth and semi-structured interviews in the framework of "Grounded theory", the necessary data were

1. Assistant Professor, Social Sciences Department, Payame Noor University, Iran
Radanfatemeh@yahoo.com

collected and adjusted from 15 housewives aged 20 to 60 living in Tehran in 2020, and after analyzing the research findings" Lack of capital" and "Lack of knowledge of cooperation" as a "Background condition", " Individual ability's" as "Causal condition", "Family and friends" As an " interfering condition", " Financial, legal and moral obligations" as Interactions and" Weak institutionalization of cooperative culture" as Consequences on the tendency of housewives to cooperative affairs were identified.

Keywords: Cooperation, Socio-cultural Factors, Housewives

